

پرسش ۵۲۶: : پسر نوح(ع) وقتی پدرش او را ندا داد، کجا بود؟

السؤال / ۵۲۶: سؤال عن عظام الأمور:

أين كان ابن نوح(ع) أثناء نداء أبيه إليه عندما قال له يا بني اركب معنا ولا تكن مع القوم الكافرين حيث ذكرت الآية الشريفة أنه كان في معزل؟ وجزاكم الله خيراً الجزاء.

پرسش ۵۲۶: سؤالی از امور بزرگ: پسر نوح(ع) کجا بود وقتی پدرش او را ندا داد که پسرم با ما سوار شو و با گروه کافران مباش؟ در آیهی شریف آمده که وی در گوشه‌ای بوده است. خداوند برترین جزا را به شما عنایت فرماید!

علماً سيدي ومولاي لم يجبني أحد على سؤالي هذا لحد الآن، نفع الله بكم الإسلام والمسلمين وأيتام آل محمد عليهم صلوات الله ودمتم سالمين.

المرسل: رشيد الأسدي - العراق

سرور و مولایم! این را هم بگویم که تاکنون هیچ کس به این سؤال من پاسخ نداده است. خداوند، اسلام و مسلمین و ایتام آل محمد(ص) را از شما بهره‌مند گرداند و همواره سالم باشید.

فرستنده: رشيد الاسدي - عراق

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

وفقكم الله لكل خير، هو لم يكن ابنه من صلبه بل ربيبه وهو ابن زوجته، ولم يكن يعيش مع نوح(ع) في بيته، ولم يكن مؤمناً بنوح(ع) وكذا هو حال أمه، ونوح(ع) لم يسأل عن زوجته ولم يقل إنها من أهلي؛

لأنها كانت تجاهر نوحاً (ع) بالكفر بدعوته (ع)، أما ابنه أو ربيبه (ابن زوجته) فكان يستحي من نوح (ع) ولم يكن يجاهر بالكفر بدعوة نوح (ع)، ولكن عندما جاء الفيضان وجاء موعد الافتراق اختار مرافقة أمه واعرض عن نبي الله نوح (ع) فهلك، وسؤال نوح (ع) عنه لأنه كان يظهر التعاطف مع نوح (ع) فبين الله لنوح (ع) أنه لم يكن مؤمناً صادقاً بل كان منافقاً يبطن الكفر بدعوة نوح (ع) وإن ما كان يمنعه من الجهر بكفره بنوح (ع) حياؤه من نوح (ع)؛ لأنه رباه.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة و المهديين و سلم تسليماً.

خداوند شما را بر هر خیری موفق بگرداند! پسر نوح در واقع فرزند صُلبی آن حضرت نبود بلکه فرزندخوانده و فرزند همسر نوح بود. او با نوح و در خانه‌ی او زندگی نمی‌کرد و به نوح (ع) نیز ایمان نداشت. مادرش نیز همین‌طور بود. نوح درباره‌ی همسرش درخواست نکرد و نگفت او از خاندان من است زیرا وی کفرورزی‌اش به دعوت نوح (ع) را به‌طور علنی ابراز نمی‌نمود ولی پسر وی یا همان ناپسری‌اش پسر همسرش از نوح (ع) حیا می‌کرد و آشکارا به دعوت نوح (ع) کفر نمی‌ورزید. اما هنگامی که سیل آمد و زمان جدایی فرا رسید، این پسر، همراهی با مادرش را ترجیح داد و از پیامبر خدا، نوح (ع) روی گردانید و به این ترتیب به هلاکت رسید. درخواست نوح (ع) درباره‌ی پسرش، از مهر و عطوفت پسرش با نوح پرده برمی‌دارد و خداوند برای نوح (ع) آشکار می‌سازد که وی مؤمن واقعی نبوده بلکه منافقی بوده که کفرورزی به دعوت نوح (ع) را مخفی می‌کرده است و حیای او از نوح (ع) بوده که مانع از علنی شدن کفرورزی او می‌شده است چرا که نوح (ع) او را بزرگ کرده بود.

فقوله تعالى عنه أنه كان في معزل أي في معزل عن دين نوح(ع) أي لم يكن على دين نوح(ع)، وأيضاً هو كان في معزل عن مكان نوح(ع)؛ لأنه لم يكن يسكن معه، وهو لم يكن من أهل نوح(ع)؛ لأن أهل نوح(ع) هم المؤمنون بدعوته.

این سخن خدای متعال درباره‌ی فرزند نوح که می‌فرماید وی در گوشه‌ای ایستاده بود یعنی در گوشه‌ای از دین نوح(ع) به این معنا که وی بر دین نوح(ع) نبود. همچنین او از جایگاه نوح نیز کناره گرفته بود زیرا با او زندگی نمی‌کرد. وی از خاندان نوح نیز محسوب نمی‌شد زیرا خاندان نوح(ع) کسانی بودند که به دعوتش ایمان آورده بودند.

قال تعالى: (وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ * قَالَ سَاوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ * وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَّمَاءِ أَقْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ * قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُن مِّنَ الْخَاسِرِينَ) [32].

أحمد الحسن - منتصف شعبان / ١٤٣١ هـ ق

حق تعالی می‌فرماید: (کشتی، آنان را در میان امواجی چون کوه می‌برد. نوح پسرش را که در گوشه‌ای ایستاده بود ندا داد: ای پسر، با ما سوار شو و با کافران مباش! * گفت: من بر سر کوهی که مرا از آب ننگه دارد، جا خواهم گرفت. گفت: امروز هیچ نگهدارنده‌ای از فرمان خدا نیست، مگر کسی را که بر او رحم آورد. ناگهان موج میان آن دو حائل گشت و او از غرق شدگان بود. * و گفته شد: ای زمین آب خود فرو بر و ای

آسمان باز ایست. آب فرو شد و کار به پایان آمد و کشتی بر کوه جودی قرار گرفت و ندا آمد که لعنت بر مردم ستمکاره باد! * نوح، پروردگارش را ندا داد: ای پروردگار من، پسر من از خاندان من بود در حالی که وعده‌ی تو حق است و نیرومندترین حکم‌کنندگان، تو هستی. * گفت: ای نوح، او از خاندان تو نیست، او عملی است ناصالح! از سر ناآگاهی چیزی از من نخواه! برحذر می‌دارم تو را، که از مردم نادان باشی. * گفت: ای پروردگار من! پناه می‌برم به تو اگر از سر ناآگاهی چیزی بخواهم، و اگر مرا نیامرزی و به من رحمت نیاورزی از زیان کاران خواهم بود) ([33]).

احمد الحسن-نیمه شعبان / ۱۴۳۱ هـ. ق.



[32] - هود: 42 - 47.

[33] - هود: 42-47.